

بررسی رابطه بین شیوه فرزندپروری والدین با عملکرد دانش آموزان مقطع متوسطه دوم

بیبا درزی درونکلایی

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین شیوه فرزندپروری والدین با عملکرد دانش آموزان مقطع متوسطه دوم می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، سوالات و فرضیاتی مطرح و از طریق پیمایشی به گردآوری اطلاعات اقدام گردید. نمونه آماری پژوهش حاضر را دوره متوسطه دوم به همراه والدین آن‌ها تشکیل داده که از میان آن‌ها تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری دینا باومریند استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۶۵/۲ درصد خانواده‌ها دارای سبک فرزندپروری قاطعانه، ۲۲/۴ درصد دارای سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۲/۴ درصد نیز سهل‌گیر هستند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین سبک فرزندپروری قاطعانه والدین و عملکرد فرزندان بوده اما بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و سبک مستبدانه والدین با عملکرد فرزندان همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره، نشان داد که ۴۲/۲ از کل تغییرات متغیر عملکرد تحصیلی، وابسته به ۳ متغیر ذکر شده در این معادله می‌باشد. بیشترین میزان اثر بر متغیر وابسته، مربوط به سبک مستبدانه با اندازه اثر ۰/۴۴۶- و کمترین میزان اثر، مربوط به متغیر سبک سهل‌گیرانه با اندازه اثر ۰/۰۷۶- است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که غیر موثرترین سبک فرزندپروری، روش مستبدانه است.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری، سبک قاطعانه، سبک سهل‌گیرانه، سبک استبدادی، عملکرد تحصیلی

مقدمه و بیان مساله

پیشرفت تحصیلی^۱ دانش آموزان و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن، موضوع مهمی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علوم تربیتی و روانشناسی را به خود اختصاص داده است. محققان توافق دارند که علاوه بر آموزش، بسیاری دیگر از عوامل از جمله، محیط، مدرسه، خانواده، سبک‌های فرزندپروری و محیط اجتماعی کودک که کودک در آن زندگی می‌کند و همچنین مشخصه‌های فردی مانند هوش، شخصیت، سن، همسالان و انگیزه در عملکرد تحصیلی او نقش مهمی را ایفا می‌کنند (ودودی مفید، ۱۳۹۱). خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که در شکل‌گیری عادات و اندیشه‌های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. در شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های اجتماعی کودک، جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد، در خانواده‌هایی که والدین رفتارهای محبت آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران و انگیزه پیشرفت رشد می‌یابند (به نقل از محبی نورالدین وند، ۱۳۸۹).

خانواده با توجه به تأثیر قابل توجه بر رشد روانشناختی فرزندان، از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شخصیت آنان بوده و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر پیشرفت تحصیلی فرد تأثیر می‌گذارد به‌طور کلی نقش و تأثیر خانواده بر شکل‌گیری شخصیت به طور عمده در سه محور تأثیر سبک‌های فرزندپروری، سایر اعضای خانواده و ترتیب تولد فرزندان مورد توجه قرار گرفته است.

سبک فرزند پروری مجموعه‌ای از نگرش‌ها در مورد کودک است که به ایجاد جوی هیجانی منجر می‌شود که والدین رفتارهای خود را با کودک در بستر آن شکل داده و تنظیم می‌کنند (دارلینگ و اشتنبرگ^۲، ۱۹۹۳؛ به نقل از زمانی و عابدینی، ۱۳۹۲). باومریند^۳ بر اساس دوبعد توقع^۴ و پاسخ دهی^۵ چهار سبک فرزندپروری را مشخص کرده است که عبارتند از: ۱- فرزندپروری مستبدانه^۶ که در آن

^۱academic achievement

^۲Darling & Steinberg

^۳Baumrind

^۴demandingness